فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۸، شماره ۱۲، بهار سال ۱۴۰۰

رابطه تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان زن مدارس ابتدایی

سمیه غلامعلی پورجاغرق [۱]

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان زن اجرا شد. **روش**: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل معلمان خانم ناحیه ۷ مشهد در سال تحصیلی۹۷_۱۳۹۶ شهر مشهد بود. حجم نمونه در این پژوهش ۲۶۰ نفر بود که از طریق روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه: الف) مقیاس دلزدگی زناشویی پانیز (۱۹۹۸)، ب) پرسشنامه تمایزیافتگی خود اسکورن و اسمیت DSI-R (۲۰۰۳) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون استفاده و توسط نرم افزار spss-25 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین تمایزیافتگی خود با دلزدگی زناشویی ۳۸ درجه همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تمایزیافتگی خود، دلزدگی زناشویی، معلمان زن

۱- کارشناس ارشد گروه مشاوره، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران(نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

مقدمه

خانواده از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بیـن دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. خانواده به عنوان واحد اجتماعی، کانون رشد، تکامل و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض است که هم، بسـتری برای شکوفایی و هم، فروپاشی روابط میان اعضایش است (مارتین و همکاران[1]، ۲۰۱۹). یکی از مشکلات رایج در زوجین، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی زناشویی[2] وضعیت دردناک جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رؤیایی به زندگیشان معنا ببخشد را متأثر می‌سازد. دلزدگی هنگامی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند، علی رغم تمام تلاش‌هایشان، این رابطه به زندگیشان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده است (زارعی، صادقی فرد و عدلی، ۱۳۹۲). از نظر لینگرن[3] (۲۰۰۴) دلزدگی، از پا افتادن جسمی و عاطفی و روانی و ناشی از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات است. پاینز (۲۰۰۲) سه خصیصه را که بیشترین تأثیر را بر دلزدگی دارند از طریق یک پژوهش به ترتیب، بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی مشخص کرد (پاینز[4]، ۲۰۰۲؛ ترجمه شاداب، ۱۳۹۴). نکته قابل توجه این است که چه عواملی باعث ایجاد دلزدگی زناشویی می شود که در این پژوهش به بررسی دو عامل تأثیرگذار پرداخته می‌شود.

عامل مؤثر اول مورد بررسی در دلزدگی زناشویی در این پژوهش، میزان تمایزیافتگی زوجین است. تمایزیافتگی به عنوان، افزایش استقلال و مسئولیت پذیری تعریف می شود (هی لی، ۱۹۷۶؛ ترجمه ثنایی، ۱۳۹۴). تمایزیافتگی[5] که مهمترین مفهوم نظریه سیستم های خانواده است، میزان توانایی فرد را در تفکیک فرآیندهای عقلانی و احساسی او نشان می دهد. افراد تمایز یافته، تعریف مشخصی از خود و عقاید شان دارند و می توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کرده و در موقعیت های شدیدا عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نا فرجام می شود. کنترل خود را از دست نداده و با در نظر گرفتن عقل و منطق، تصمیم گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نایافته که هویت تعریف شده ای ندارند، در تنش ها و مسائل بین اشخاص موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد مشکلات روان شناختی و بروز نشانه های بیماری هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه براواتی و نقش بندی، ۱۳۹۶).

در بیان یافته های پژوهش پیشین نیز می توان به پژوهش هایی پیرامون این موضوع اشاره نمود. کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی نقش تمایزیافتگی در پیش بینی دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به این نتیجه رسیدند که بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. عشقی (۱۳۹۴) در بررسی رابطه سرسختی روان شناختی، تمایزیافتگی خود با دلزدگی زناشویی معلمان زن متأهل مدارس ابتدایی شهر نیشابور به این نتیجه رسید که بین تمایزیافتگی خود و تمام مولفه‌های آن بجز مولفه جایگاه من با دلزدگی زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود داشت. همچنین پژوهش گابلمن[6] (۲۰۱۴) در بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی نشان دادند که بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد و هر اندازه تمایزیافتگی زوج ها کمتر باشد تعارض های زناشویی و دلزدگی زناشویی آن ها بیشتر خواهد بود.

[1] Martínez-Pampliega, Cormenzana, Corral, Iraurgi & Sanz
[2] burnout Marital
[3] Lingern
[4] Paineiz
[5] Differentiation
[6] Gabelman, E

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

باتوجه به مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با دلزدگی زناشویی و برنامه ریزی آموزش های مبتنی بر این یافته ها می تواند در پیشگیری از اختلافات زناشویی و پربارکردن ارتباطات موثر میان زوجین کمک نماید. در این میان معلمان زن به عنوان یک قشر دلسوز و به خاطر سر و کار داشتن با کودکان به عنوان آینده سازان جامعه و امور آموزشی و پرورشی آنها از حساسیت شغلی بالاتری برخوردارند که با انتقال ناراحتی و عدم شادی محیط خانه و روابط زناشویی موجب ایجاد خلق و روحیه منفی و کاهش بازده شغلی می شوند. توجه به کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن؛ شناخت عوامل مؤثر در روابط زناشویی بالاخص دلزدگی زناشویی، مهار و مدیریت آن به عنوان عامل پایداری زندگی خانوادگی، یکی از روش های قابل توجه در حل مشکلات زناشویی است. شناخت این عوامل به زوجین یاری می رساند تا با آشنایی با این عوامل به ایجاد، تقویت و یا اصلاح این متغیرها پرداخته و از بروز دلزدگی زناشویی جلوگیری به عمل آورند. لذا با توجه به آسیب های دلزدگی زناشویی معلمان و عوامل دخیل در آن و با توجه به اینکه نوع حمایت اجتماعی ادراک شده و تاثیر آن بر رفتارهای سازگارانه افراد در زندگی زناشویی و همچنین تاثیر تمایزیافتگی خود بر روابط عاطفی و خانوادگی، ممکن است هر یک از این متغیر ها، عامل ایجاد مشکل و اختلاف بین روابط زوجین باشند، لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی به اجرا در آمد.

روش

جامعه آماری تحقیق را، معلمان خانم ناحیه ۷ مشهد در سال تحصیلی۹۷ _۱۳۹۶ تشکیل می دادند. حجم نمونه در این پژوهش شامل ۲۶۰ معلم زن متأهل است که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردید.

روش پژوهش حاضر همبستگی و از نوع پیش بین بوده است و نمونه های انتخاب شده از بین کلیه دبستان های دولتی ناحیه ۷ مشهد انتخاب گردیده و پس از کسب رضایت و توجیه معلمان، فرایند توزیع پرسشنامه آغاز گردیده و درنهایت پس از کسب اطمینان از صحت پاسخ های داده شده پرسشنامه ها جمع آوری گردید و به منظور انجام فرایندهای آماری وارد چرخه تحلیل قرار گرفت.

ابزار

الف) دلزدگی زناشویی پانیز[1] (۱۹۹۸): این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که شامل ۳ جز اصلی خستگی جسمی (مثل احساس خستگی، سستی، داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می باشد. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می شوند. ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دلزدگی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی های منفی با ویژگی های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است.

ب) پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI-R): این پرسشنامه توسط جکسون در ۴۳ ماده بر مبنای نظریه بوئن ساخته شد (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس ۱- واکنش پذیری عاطفی، ۲- جایگاه من، ۳- گریز عاطفی، ۴- هم آمیختگی با دیگران است. نمره گذاری این پرسشنامه بصورت لیکرت ۶ درجه ای صورت می پذیرد. نمرات بدست آمده برای هر خرده مقیاس به مانند نمره کلی در دامنه ۱ تا ۶ قرار می گیرد. نمره کمتر این پرسشنامه، نشانه سطوح پایینتر تمایزیافتگی است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای

[1] Paniz Couple Burnout Inventory

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

پرسشنامه تمایزیافتگی خود ۰/۸۸ است. یونسی (۱۳۸۵) ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه کرد که پایایی بالای این پرسشنامه را نشان می دهد.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی، پیش فرض نرمال بودن توزیع و نتایج همبستگی به ترتیب در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی و پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کالموگروف-	سطح معناداری
تمایز یافتگی خود	118.44	2.106	0.203	0.407

در جدول ۲ علاوه بر ارائه میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، نتایج آزمون کالموگروف- اسمیرنوف ارائه شده است. نتایج ازمون کالموگروف- اسمیرنوف نشان داد که سطح معناداری برای تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد.

در ادامه جهت تعیین رابطه بین متغیرهای دلزدگی زناشویی و تمایزیافتگی از همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲ نتایج همبستگی تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان

	دلزدگی زناشویی	تمایزیافتگی خود
دلزدگی زناشویی همبستگی پیرسون	1	-0.380
معناداری		0.0001
تعداد	260	260
تمایزیافتگی خود همبستگی پیرسون	-0.380	1
معناداری	0.0001	
تعداد	260	260

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون در جدول فوق بیانگر آن است که بین تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان ۳۸ درصد همبستگی منفی معنادار وجود دارد ($p<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری

دلزدگی زناشویی، وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رویارویی و ازدواج به زندگیشان معنا ببخشد را متاثر می‌سازد (پانیز، ۱۹۹۸؛ ترجمه گوهری راد و افشار، ۱۳۸۳). در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی در معلمان زن صورت گرفت. و بر اساس نتایج به دست آمده، بین تمایزیافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان ۳۸ درصد همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

نتایج پژوهش‌ها نشان داد که تمایزیافتگی خود می‌تواند پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی باشد (کاظمیان مقدم و همکاران، ۱۳۹۶؛ گابلمن، ۲۰۱۴). تمایزیافتگی که مهم‌ترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده است، میزان توانایی فرد را در تفکیک فرآیندهای عقلانی و احساسی او نشان می‌دهد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه شاهی، نقش‌بندی و ارجمند، ۱۳۹۵). تمایزیافتگی شامل توانایی فرد برای باقی ماندن در ارتباط با دیگری در عین حفظ «ادراک خود» است، به عبارتی تمایزیافتگی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران (اسکورون و فریدلندر[1]،

[1] Friedlander, M. L

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

۱۹۹۸). افراد تمایزیافته می‌توانند بدون ترس از یکی شدن، ضمن تجربه صمیمیت در روابط نزدیک، استقلال خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب همسر خود مواجه می‌شوند، آرامش خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب همسر خود مواجه می‌شوند، آرامش خود را حفظ کنند (اشتارخ، ۱۹۹۷؛ به نقل از حامدی و همکاران، ۱۳۹۱). بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایزیافتگی هردو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. در عوض زوج‌هایی که حداقل آمیزش عاطفی را باهم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان باهم بودن باثبات و محکم‌تری به آن‌ها می‌دهد. تمایزیافتگی یک جزء جدایی ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است و به نظر می‌رسد سطح تمایزیافتگی با سطح رضایت زناشویی مرتبط باشد. برای مثال همسرانی با سطوح پایین تمایزیافتگی که درهم آمیخته شده‌اند، ممکن است کم‌تر بتوانند بفهمند که برای بهبود روابطشان چه چیزی از یکدیگر می‌خواهند که این مطلب درنهایت به سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی منجر می‌شود. هنگامی که این زو جها با متغیرهای دیگری که با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است - مثل تغییر نقش‌ها - روبرو می‌شوند، ممکن است سطوح پایین تمایزیافتگی، به خاطر فقدان توانایی‌شان در تمیز بین «خود» یکدیگر، به مشکلاتشان برای پیدا کردن راه حل بهتر، بی‌فزاید. این کاهش در رضایت زناشویی برای زوج‌هایی که در یکدیگر آمیخته شده‌اند نسبت به زوج‌هایی که بیشتر تمایزیافته‌اند، ممکن است بیشتر باشد. در واقع زوج‌هایی که بیشتر تمایزیافته‌اند، بهتر می‌توانند در طول رابطه‌شان، موانع را رفع کنند (پاتریک و همکاران[1]، ۲۰۰۷) و کم‌تر دچار دلزدگی می‌شوند. در واقع طبق نظریه بوئن (۱۹۷۸) در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را بهتر تحمل می‌کنند و برای این که مشکلات کم تری داشته باشند در پاسخ به عواطف خود و دیگران، آرامش خود را حفظ می‌کنند. در حقیقت زن و شوهرهایی که به یک اندازه از سطوح بالای تمایزیافتگی برخوردارند قادرند تا فردیت روشنی را به وجود آورند و حفظ کنند و هم زمان، صمیمیت عاطفی پخته، قوی و غیرتهدیدآمیزی داشته باشند (گلادینگ، ۲۰۰۷؛ ترجمه بهاری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین به زعم لیکانی[2] (۲۰۱۳) در روابط زناشویی، تمایزیافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا برای بهزیستی و صمیمیت بین خود و همسرش، مرزها را تنظیم کند و فرصت انجام آ ن را برای طرف مقابل نیز فراهم سازد. وقتی تمایزیافتگی زوج ها بالا باشد احتمال مقابله مناسب با تعارض ها نیز برای زوج ها بیش تر می شود و اضطراب، واکنش های هیجانی و در نهایت هم آمیختگی کاهش می یابد. در مقابل، تمایزیافتگی پایین در بین زوج ها باعث سطوح بالای هم آمیختگی شده که به از دست دادن «خود» افراد منجر می شود. این گونه پویایی ها می تواند تعارض بالا و در نهایت جدایی عاطفی به بار آورد. در واقع زوج های تمایزنایافته، به هنگام وقوع تعارضات زناشویی، به وسیله مکانیزم کناره گیری، حمله متقابل یا عکس العمل های دفاعی، واکنش نشان می دهند. در واقع در این گونه مناسبات زناشویی که زو جها در چرخه تعارض - اجتناب قرار دارند، در ادامه تجربه احساسات منفی، رابطه به دلزدگی می انجامد (کایزر[3]، ۲۰۰۳). آن چه تمایزیافتگی در مناسبات زناشویی برای زوج ها فراهم می آورد افزایش توانایی آن ها برای صمیمی شدن با یکدیگر، حفظ حریم شخصی و در عین حال درک تفاوت ها در موقعیت های پرتنش است. در واقع تمایزیافتگی، از هم آمیختگی زن و شوهر در مواقعی بحرانی که باید بر اساس منطق دست به تصمیم گیری بزنند، جلوگیری کرده و آن ها را قادر می سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش پذیری های هیجانی و احساسی، رفع کنند.

[1] Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.
[2] Likcani, A.
[3] Kaiser

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

در حقیقت، آنچه زوج های تمایزنایافته را دچار مشکل می سازد، اجتناب و فاصله گیری در موقعیت های دشوار است که تنها تسکینی موقتی بوده و در درازمدت با تشدید تعارض های زناشویی و از بین بردن حریم زناشویی، آن ها را به سمت دلزدگی سوق می دهد. به عبارت دیگر هرچه افراد از سطوح تمایزیافتگی پایین تری برخوردار باشند، به دلیل آمیختگی بیش تر عقل و احساسا تشان، در تعارضا های زناشویی درگیر تنش های عاطفی شدید با همسر شده و دچار دلزدگی زناشویی در طولانی مدت می شوند.

هر تحقیق بنا بر ماهیت، موضوع مورد بررسی و روش کار خود دارای مشکلات محدودیت هایی می باشد. پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است. یکی از محدودیت های این پژوهش میتوان به مقطعی بودن و تک جنس بودن جامعه پژوهش؛ که تنها شامل معلمان خانم ناحیه ۷ شهر مشهد بود اشاره کرد که می تواند فرایند تعمیم پذیری نتایج را به سایر گروه های جمعیتی با محدودیت مواجه سازد. بنابراین پیشنهاد می شود که متغیرهای این مطالعه در مطالعات بعدی بر روی جامعه وسیع تر و هر دو جنس اجرا و مقایسه گردد.

بر اساس یافته های پژوهش می توان چنین پیشنهاد که سازمان ها و نهادهای اجتماعی مانند بهزیستی، مرکز امور زنان و خانواده، روانشناسان و مشاورانی که در حوزه اصلاح تعاملات خانوادگی فعالیت می کنند، می توانند در جهت طراحی و کاربست برنامه های مداخلاتی مبتنی بر متغیرهای پیش بین در راستای ارتقاء شاخص رضایت از زندگی زناشویی اقدام نمایند. از آنجا که تأکید درمانگران بر این مسئله که برای کمک به زوجین ناسازگار می توان با تکنیک های شناختی به شناسایی رفتارهای ناکارآمد و همچنین رشد ارتباط مؤثر زناشویی پرداخت، لذا با ایجاد آگاهی وسیع تر نسبت به این موضوع برای زوجین در هر قشری از جامعه، میتوان دلزدگی زناشویی را کاهش داد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

منابع

پاینز، آیالامالاچ. (۲۰۰۲). چه کنیم تا عشق رویایی به دل زدگی نینجامد. ترجمه فاطمه شاداب. ۱۳۹۴. تهران: ققنوس
پاینز، آیالامالاچ. (۱۹۹۶). دلزدگی از روابط زناشویی. ترجمه سید حبیب گوهری راد و کامران افشاری. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات رادمهر
حامدی، رباب؛ خسروی، زهره؛ پیوسته گر، مهرانگیز؛ درویزه، زهرا؛ خدابخش، روشنک؛ صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی تمایزیافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر همجنس در دانشجویان مجرد .فصلنامه مطالعات روا نشناختی، ۸(۴)، ۷۱- ۵۷
زارعی، اقبال؛ مریم، صادقی فرد؛ مریم، عدلی. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی الیس (رویکرد عقلانی عاطفی هیجانی)در تغییر سبک اسناد و کاهش تعارضات و دلزدگی زناشویی زوجین شهرستان بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه هرمزگان
عشقی، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ی سرسختی روان شناختی، تمایزیافتگی خود با دلزدگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه دولتی بجنورد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی . ۱۳۹۴ .
کاظمیان مقدم، کبری؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ کیامنش، علیرضا؛ حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش بینی دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۹۶
گلادینگ، ساموئل، تی. (۲۰۰۷). خانواده درمانی، تاریخچه،ن ظریه و کاربرد. ترجم هی فرشادب هاری،بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی. (۱۳۹۷). تهران: انتشارات تزکیه.
گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۳). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براواتی و سیامک نقش بندی. (۱۳۹۶). تهران: نشر روان
هی لی، جی. (۱۹۷۶). خانواده درمانی. ترجمه باقر ثنایی. ۱۳۹۴. تهران: انتشارات امیرکبیر

Gabelman, E. (2014). The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. Department of Human Development and family Science. 1-20
Kaiser, A. (2003). The ways enhancing intimacy. New York: The Gilford Press.
Likcani, A. (2013). Differentiation and intimate partner violence. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.
Lingern, H. (2004). Marriage Burnout.6 ed. New York: The Gilford Press. Tuason MT, Friedlander, ML. Do parents differentiation levels predict those of their adult children? And other tests Of Bowen theory in a Philippine sample. Journal of Counseling Psychology 2014. 4(1):27-35.
Martínez-Pampliega, A., Cormenzana, S., Corral, S., Iraurgi, I., & Sanz, M. (2019). Family structure, interparental conflict & adolescent symptomatology. Journal of Family Studies, 1–16. doi:10.1080/13229400.2018.1536609
Skowron, E., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. Journal of Counseling Psychology, 45, 235-246.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۸، شماره ۱۲، بهار سال ۱۴۰۰

The relationship between differentiation and marital disturbance in primary school Women teachers

Purpose: The aim of this study was to investigate the relationship between self-differentiation and marital boredom of female teachers. **Method:** This is a descriptive correlational study and the statistical population of the present study included Married Women Teachers in District 7 Mashhad in 2017-18. The sample size in this study was 260 people who were selected simple Multi-step randomization. To collect data, three questionnaires were used: a) Paniz's Marital disturbance (1986), b) Self-differentiation questionnaire DSI-R (1998). To analyze the data, descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistics, Pearson correlation analysis were used and statistically analyzed by SPSS software. **Results**: The results showed that there is a significant negative correlation between self-differentiation and marital boredom of 38 degrees.

Keywords: differentiation, marital disturbance

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]